

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۸

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال نهم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۵

بررسی هنر اسطوره ظهور مهر با مدخلی بر بن مایه ها و مفاهیم موعود آخرین

رضا یوسف وند^۱

رضا کرمی^۲

چکیده

خاستگاه موعودگرایی و باور به منجی ریشه در اعماق پیش از تاریخ دارد، زمان دقیقی برای پیدایی آئین مهر متصور نیست، با این وجود می توان رد پای آن را از قرن ۱۴ پیش از میلاد تا سده چهارم میلادی دنبال کرد. پرستش مهر از دیرباز جزئی از آداب ایرانیان و پیروان آئین مهر بوده است، بسیاری از مستشرقین معتقدند که اصلی ترین عناصر پرستشی در میان پیروان این آئین، طبیعت و حیوانات بوده است و یکی از تأثیرگذارترین آئین هایی است که تا نقاط مختلف اروپا نفوذ پیدا کرده و مسیحیت را تحت تأثیر قرار داده است، این مذهب گرچه به ظاهرا از میان رفته، اما مراسم و آئین های مربوط به آن را می توان در قالب ادیان دیگر جستجو نمود و در پاره ای موارد دچار همزیستی با سایر ادیان از جمله مسیحیت شده است. با ظهور ادیان الهی، موعودگرایی رنگ و بوی دیگر گرفته لذا سبب شد تا با استناد به آیات و روایات الهی و احادیث معصومین علیهم السلام این مقوله مورد واکاوی دقیق تری قرار بگیرد. در این مقاله علاوه بر بررسی تطبیقی آئین مهر و المان های هنری باوری موعود در آن و موعودگرایی آخرالزمان، برخی از

۱. استادیار دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول) (yousofvand@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه پیام نور تهران.

ویژگی‌ها و صفات و القاب (مهر سوشیانت) و (مهدی موعود) مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین برخی از ویژگی‌ها و صفات مهر با موعود آخرالزمان به یک مفهوم بوده، با این تفاوت که آئین مهر ریشه در اساطیر دارد و باور به منجی آخرالزمان ریشه در ادیان آسمانی. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش برداری بوده است، در کنار مطالعه منابع و مآخذ، آثار تصویری و هنری نیز یاریگر و راهگشا بودند.

واژگان کلیدی

مهر، آئین مهری، زرتشت، موعودگرایی، مهدی موعود ﷺ.

مقدمه

بن‌مایه موعودگرایی، قبل از ظهور دین اسلام، ریشه در اساطیر ایران دارد، به گونه‌ای که در آئین زرتشت سه سوشیانت و یا ناجی و رهایشگر دیده می‌شود. در این دوره پس از ظهور ناجی، بیماری و مرگ و رنج ناپدید، نباتات پیوسته شکوفا و خوراک آدمیان فقط غذای معنوی خواهد بود و جهان بازسازی می‌شود و عدل و مساوات بر جهان حاکم و ظلم و جور برچیده خواهد شد. اعتقاد به ظهور سوشیانس در میان ملت ایران به قدری رایج بود که در شکست‌های جنگی و فراز و نشیب‌های زندگی با یادآوری ظهور، خود را از یاس و ناامیدی نجات می‌دادند. اهمیت آئین مهرپرستی در این است که نه تنها بازتاب آن را می‌توان در بسیاری از آثار فرهنگی مشاهده کرد، بلکه این آئین در پیش از میلاد به روم باستان و از آن جا به بسیاری از بخش‌های اروپا نفوذ کرد، تاکنون آثار بسیاری از مهرابه‌ها و نقوش مربوط به آن در کشورهای اروپایی یافت شده است، هم‌چنین اسناد موجود نشان می‌دهد که برخی از باورها، خصوصاً آداب و نشانه‌های مهرپرستی در بعضی از فرهنگ‌های اروپایی به ویژه مسیحیت راه یافته است. مهرپرستی، در آغاز آئینی برای گروه‌های کوچک بود و این امر، از معابد کوچک مهر که هم‌اکنون در اروپا یافت شده معلوم می‌گردد. گذشته از اساطیر رد پای منجی‌گرایی را باید در کتب آسمانی جستجو نمود، در آیات کتاب مقدس تا آن جا که تحریف نیافته است، حضرت موسی علیه السلام آمدن عیسی مسیح علیه السلام را بشارت داده بود، از این رو برخی یهودیان همواره در اشتیاق ظهور مسیح علیه السلام موعود بودند. در قرآن کریم نیز از این‌گونه بشارت‌ها یاد شده است، آن جا که می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ (صف: ۶).

در این سوره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نام احمد یاد شده است، بدین ترتیب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خود به عنوان پیامبر آخرالزمان در نزد پیشینیان موعود بوده است. این بشارت‌ها همه ناظر به قیام الهی منجی آخرالزمان است، لذا هرگاه موعود گفته شود منظور موعود نهایی است. پیامبر عظیم‌الشان اسلام نیز در احادیث بسیاری از موعود آخرالزمان (حضرت مهدی علیه السلام) صحبت نموده است. در کتب حدیث، روایات بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که درباره هویت، خاندان، کنیه و منش ایشان بحث می‌کند، آن چه از احادیث متعدد نتیجه می‌شود این است که حضرت مهدی علیه السلام از اعقاب پسری حضرت فاطمه علیها السلام، دخترگرمی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، از تبار فرزند والا تبارش امام حسین علیه السلام است. این نوشتار که به روش فیش‌برداری به نگارش درآمده است درصدد است تا ریشه‌های موعودگرایی را با نگاهی ناظر بر هنرهای تصویری و تجسمی، بر ظهور و پیدایش مهر، با توجه به نگاره‌ها و تندیسک‌ها و نیز بررسی مفاهیم و مبانی موعود آخرالزمان بررسی نماید.

پیدایش مهر

درباره تولد مهر چند اسطوره و نظریه وجود دارد که برخی از آنها بر اساس بعضی نوشته‌ها و همچنین نقش‌های باقی مانده از آئین مهرپرستی شکل گرفته‌اند. برپایه یکی از این اسطوره‌ها، (بغ مهر) در غاری در کوه البرز از فروغ ناشی از برخورد دو سنگ زاده شد و به احتمال قوی به همین سبب است که در برخی از نگاره‌ها مهر را نشان داده‌اند، در حالی که از درون یک سنگ بیرون می‌آید (حامی، ۱۳۵۵: ۹). برپایه بعضی اسناد و نگاره‌ها، مهر از میان صدفی درون دریاچه یا آبگیری بزرگ، متولد شده است. از یک مهرابه (پرستش‌گاه مهرپرستان)، در چپل هیل^۱، در انگلستان نگاره‌هایی وجود دارد که زایش مهر از میان صدف را نشان می‌دهد. در زیر صدف آب دریا و روی آب پیکر عریان مهر در یک قاپ از میان دو قسمت یک صدف بیرون آمده و دور قاپ دوازده برج نقش شده

1. Chapel Hil

است (مقدم، ۱۳۵۷: ۳۶) براساس این دیدگاه، ناهید مادر مهر بود که به اراده اهورا مزدا در دریاچه‌ای که نطفه‌های پاک در آن بود، باردار شد و به این سبب خاستگاه مهر و زادگاه مهر را دریاچه می‌دانستند. بازتاب اهمیت مهر در فرهنگ ایران، در جشن مهرگان نیز نمایان است که در (روز شانزدهم ماه مهر) برگزار می‌شد و در گذشته آن را قرینه نوروز دانسته‌اند و چنین تفسیر شده که همان‌گونه که نظارت بر نیمه دوم سال (ماه مهر) بر عهده مهر بود، نظارت بر نیمه دوم ماه (شانزدهم ماه مهر) نیز بر عهده وی بوده است (آموزگار، ۱۳۸۷: ۲۰).

آئین مهر

آئین مهر، چون ادیان بزرگ جهان که خداوند توسط پیامبری، برای راهنمایی مردم فرستاده باشد نیست؛ بلکه آئینی سنتی با آغازی تاریک است که با پندارها و خوی مردم در سرزمین‌های گوناگون هماهنگ شده است. در کتاب *آئین میترا* نوشته مارتین ورماسرن^۱ آمده است سرزمین هیتی‌ها که در شمال غربی آسیای کوچک واقع شده است، لوح‌هایی از جنس خاک رس به دست آمد که روی آنها نخستین بار نام میترا (به همین املاء) دیده می‌شود. این لوح‌های گلی حاوی پیمانی است که میان هیتی‌ها و همسایه آنها، میتانی‌ها بسته شده و از میترا و خدای آسمان برای پایداری این پیمان درخواست یاری شده است. تاریخ انعقاد این پیمان را چهارده قرن پیش از مسیح دانسته‌اند (ورماسرن، ۱۳۴۵: ۴۲). طبق نظر احمد حامی، این آئین با گروه‌های آریایی کاسپ‌ها، هاتی‌ها و میتانی‌ها در حدود هزاره سوم پیش از میلاد به سراسر ایران و آسیای صغیر و بین‌النهرین و سپس به یونان و ایتالیا راه یافت (حامی، ۱۳۵۵: ۲). به گفته وی، معنی ایزد و واژه آریایی بغ، در زبان روسی به بوگ، در زبان یونانی به باکوس، در زبان ارمنی به بوغوس تبدیل شده است و در گویش‌های ایرانی بغ را بک، بگ، بیگ، بای و بی می‌گفتند و آن را در ترکیب‌های بغداد، اتابک، بیگم، آذربایگان (آذربایجان)، بیستون، بیشاپور و بیدخت می‌توان دید (حامی، ۱۳۵۵: ۷). مهر در فرهنگ و باورهای ایران باستان به مفهوم ایزد پرتو خورشید بود، که در طول روز، همراه

1. Vermasern

خورشید بود و در هنگام شب به انسان‌ها و کارهای آنان نظارت داشت. شمار مهربانه‌هایی که پژوهشگران در ایران معرفی کردند، بسیار محدود است و به سادگی نمی‌توان از روی آن‌ها به طرح معماری معمول مهربانه‌ها در ایران پی برد و اجرای پژوهش‌های گسترده در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. براساس اطلاعات موجود می‌توان بیان کرد که تفاوت‌های مهمی بین طرح مهربانه‌ها در ایران و در اروپا مشاهده می‌شود. در اروپا تعداد قابل توجهی مهربانه تاکنون یافت شده است. ورماسرن^۱ شمار بناهای تاریخ‌دار میتراپی را در اروپا حدود ۱۳۷ باب دانسته که در سال‌های اخیر به شمار آن‌ها افزوده شده است. در ناحیه اوستیای باستانی که حدود ۷۰ هکتار مساحت داشت و فقط نیمی از آن کاوش شده بود، ۱۸ مهربانه پیدا شده است. براین اساس حدس زده‌اند که در همه اوستیا حدود ۴۰ مهربانه بوده است و بیش‌تر آن‌ها در دوره شکوفایی و توسعه آئین مهرپرستی در روم، یعنی حدود سال‌های ۱۰۰ تا ۳۱۰ میلادی، ساخته شده بودند. البته در برخی نواحی روم نیز مهربانه‌هایی از سال‌های ۳۵۷ تا ۳۸۷ میلادی یافت شده‌اند (مرکلباخ، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

مهرپرستی

مهرپرستی از قدیمی‌ترین آئین‌های ایرانی است که قدمت آن به پیدایی دولت شهرها می‌رسد. متون زرتشتی کهن از (مهر) یا (میترا) نام می‌برند. هم‌چنین از مهر در کنار دیگر خدایان، در کتیبه‌های میخی متعلق به ۱۴۰۰ ق.م نام برده شده است (شکاری نیری، ۱۳۸۵: ۸۵). دوران پارت را باید دوران اوج گسترش دین مهری در ایران و خارج از قلمرو مرزهای آن دانست. پارت‌ها چنان به این آئین پایبند بودند که دو نفر از پادشاهان معروف این سلسله، مهرداد اول، (۱۳۸-۱۷۱ ق.م) و مهرداد دوم (۱۲۴-۸۷ م) خود را برگزیده ایزد مهر می‌نامیدند (Sheldon, 2010: 45). مهرپرستی از آغاز، آئینی برای گروه‌ها و دسته‌های کوچک بود و این امر، از معابد کوچک مهر که هم اکنون در اروپا پیدا شده است، معلوم می‌شود. در اصل، معابد مهر در غارها بوده و درون آن، راهرویی که دو سوی آن سکوهایی برای نشستن مهرپرستان بنا شده بود. (این الگو امروز در سردابه بسیاری از کلیساهای

1. Vermasern

اروپا وجود دارد که به مقابر قدیسان، پادشاهان و شخصیت‌های علمی و سیاسی اختصاص دارد) در انتهای راهرو، مهرباب قرار داشت که تندیس گاوکشی، تصاویر ماری که از خون گاو می‌نوشتد، سگی در حال جستن زخم گاو، عقرب و کلاغ که پیام‌آور مهر بودند، به چشم می‌خورد (ورمازن، ۱۳۸۳: ۷). از ویژگی‌های معابد مهری نقش برجسته مهر در حال ذبح گاو مقدس روی جداره مهرباب سنگی غار است که همواره در مهربابه‌ها دیده می‌شود. برخی از این پرستش‌گاه‌ها هم‌چنان در کشورهای اروپایی و آسیایی باقی مانده‌اند که از نمونه‌های مشهور آن می‌توان به کلیسای سانتا پریسکا در شهر رم اشاره کرد. آئین مهر به گفته پژوهشگران غربی، از ایران به گونه‌ای که هنوز هم مورد بحث است وارد اروپا شده و به رشدی دست یافت که اگر مسیحیت ظهور نمی‌کرد، شاید امروز نیز این آئین کماکان به حیات خود ادامه داده بود. از بناهای تاریخی بسیار می‌توان استنتاج کرد که کیش مهر در هر جا که لژیون‌های رومی مستقر بودند گسترش یافت (وارنر، ۱۳۸۷: ۲۷۱). اما رشد و گسترش آئین مهر یا میترا به علت تقارن زمانی که با دین نیرومندتری مانند مسیحیت داشت در ادامه راه با مشکل مواجه شد. در سده‌هایی که آن را مسیحی می‌خوانیم، دین مهر در برگیرنده دین جهان غرب بود (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵: ۵). اما به سرعت مخالفت‌های آباء کلیسا آغاز شد و با تغییر دین امپراتور تا نابودی آئین مهر پیش رفت و به ظاهر به نظر می‌رسد که این آئین از صفحه خارج شد، این شکل ظاهری موضوع است، چرا که با دقت در آئین و مناسک مسیحیت می‌توان در دل این دین بسیاری از اصول مهرپرستی را باز یافت. آئین و رسوم و باورهای مربوط به این دین در همه دین‌هایی که پس از آن آمده‌اند، به ویژه مسیحیت باز مانده و حتی در کارهای هنری و ساختمان‌های پرستش‌گاهی از آن پیروی می‌کند (مقدم، ۱۳۸۸: ۱۳).

القاب و نام‌های مهر

یک ریشه آریایی (می) داریم که با پسوند در سنسکریت (میترا) به معنای دوست، دوستی و به معنای به هم پیوستن و به هم پیوند دهنده است و در اوستا (میترا) به معنای (دوست و پیمان) و نام ویژه ایزد پیمان است (Drower, 1962; 6). ریشه دیگر (مید) است به معنای در میان بودن، میانجی‌گری کردن (شفاعت) که ریشه واژه‌های فارسی میان و میدان و جز آن‌هاست (Gershevitch, 1959; 28). معنای دوریشه میث و مید از

یکدیگر دور نیست، به هم پیوستن، وصل کردن، میانجی‌گری کردن، پا در میانی کردن، آشتی دادن، شفاعت که به دوستی و پیمان کشیده می‌شود. درباره مهر در زند خرده اوستا آمده است (داور است که به مینوگان و گیتی‌هان داوری و میانجی‌گری راست کنی) (Zaehner, 1955; 101).

این واژه در نوشته‌های پهلوی به گونه‌های میثر، میهر، مهر و میر آمده و در سکه‌های کوشانی در شرق ایران به گونه‌های میرو و میورو و گونه‌های دیگر یافت می‌شود (Unvala, 1925; 5).

در درجه نخست مهر با لقب (بغ) نامیده و شناخته می‌شد. بغ در پهلوی و فارسی در اصل به معنای بخشنده و خداوند است. در اوستای غیر گاهانی برای ایزد مهر و در نوشته‌های پهلوی برای مهر و مانی به کار رفته است (مقدم، ۱۳۸۵: ۳۰). بغ هم چنان که در فارسی برای خدا و بزرگان به کار می‌رود، در دین مهرنیز به معنای خداوند یا بزرگوار به کار می‌رفته است و در روسی (بوگ) به همین معناست. در زبان لاتین و زبان‌های اروپائی پیرو دین مهر یا دین بغانی pagan و بغانی‌گری paganism است. در نوشته‌های مهری سغدی، مهر (میشی بغی) خوانده شده است. جاهایی که به ویژه مرکز دین مهر بوده با همین واژه نام‌گذاری شده است، مانند بغستان (بهستان، بیستون) که زیارتگاه‌هایی مانند طاق بستان یا پرستش‌گاه هائی مانند پرستش‌گاه بزرگ کنگاور، که به نام ناهید، مادر مهر نام‌گذاری شده بود در آن جا بوده است. مهر چنان که از معنای آن دریافت می‌شود، میانجی میان مردم و خداوند است. مهر همچو میانجی میان خدا و مردمان، رهاننده یا رستگارکننده یا ره‌ایش‌گر مردمان است، از این رو صفت و لقب برجسته او سوشیانت است که به معنای رهاننده و نجات‌گرایا همان موعود زرتشت است (هینلز، ۱۳۸۳: ۵۱).

بنابر نظر برخی دیگر از صاحب نظران، مهر ره‌ایش‌گر، میانجی و بخشنده گناهان است. از این رو لقب دیگر او در پهلوی (بوژاگر) است و گونه دیگر آن بوختار و بختار است (Widengren, 1954; 104). بنابراین مهر همچو میانجی و ره‌ایش‌دهنده و بخشنده گناهان، لقب داور آفرینش را نیز دارا است (فضیلت، ۱۳۸۱: ۶۷۵). درباره شگفتی‌های کالبد سوشیانس آمده است که او خورشید کرپ و خوراک او مینوی (مینوی خورشن) است. در ارمنستان نیز که یک مرکز دین مهر بود به گفته

آگاژانگلوس^۱ تاریخ نویس ارمنی او را پسر اهورامزدا می خواندند (Unvala, 1925; 18).
الیشه وارداپت^۲ نیز مهر را بغی در کالبد مردمان می داند و می نویسد:
یکی از دانایان برگزیده گفته است که مهر خداوند از مادری در میان مردمان زائیده
شد (Widengren, 1960; 73).

در نوشته های لاتین نیز مهر خداوند و خدا، و در سغدی خدای هفت کشور نامیده
شده است، در جای دیگر مهر کیهان سالار و نگاهبان خوانده شده است در امپراتوری روم
مهر همچون نگاهبان امپراتوری و پشتیبان سپاه می دانستند و یکی از لقب های او در
نوشته های لاتین نبرزه nabarze است که واژه ای فارسی و گونه دیگری از نبرده به معنای
دلیر است (Schwartz, 1975; 422).

۱. بن مایه های موعودگرایی

منجی گرایی و اعتقاد به موعود در تاریخ ادیان سابقه ای بس طولانی دارد، بسیاری
از پیامبران پیشین آمدن مصلح و منجی را وعده می داده اند. در آیات کتاب مقدس،
تا آن جا که تحریف نیافته است، این بشارت ها دیده می شود. از این گونه بشارت ها
یکی بشارت حضرت موسی علیه السلام است که آمدن عیسی مسیح علیه السلام را بشارت داده بود، از
این رو یهودیان همواره در اشتیاق ظهور مسیح موعود بودند (حکیمی، ۱۳۷۶: ۹۵).
حضرت مسیح علیه السلام نیز آمدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بشارت داده بود و بدین گونه پیروان
شریعت مسیح نیز منتظر موعود می گشتند. عیسی علیه السلام به شاگردان خود وعده داده بود که
پدرش (اب، که اقنوم اول است) تسلی دهنده دیگری را می فرستد که همه چیز را به آنان
تعلیم خواهد داد (انجیل یوحنا، باب ۱۴: ۱۶-۲۶). در قرآن کریم نیز این بشارت ها یاد
شده است آن جا که می فرماید:

﴿إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ
التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ
مُبِينٌ﴾ (صف: ۶)؛

بشارت های بسیاری هست که همه درباره طلوع خورشید اعظم اسلام و ظهور
طلعت اقدس محمدی است. لیکن در سرتاسر بشارت ها و اشارت های پیشینیان

1. Agasangluse

2. Elishev vardapet

که از پیامبران و دیگر دانایان و فرزندگان رسیده، همواره سخنانی درباره موعود آخرین و موعود آخرالزمان گفته شده است، این سخنان و وعده ها و بشارت ها، همه و همه ناظر به قیام الهی منجی آخرالزمان است، لذا هرگاه موعود گفته شود، منظور موعود آخرالزمان و نهایی (حضرت مهدی علیه السلام) است.

۲. موعود آخرین از نگاه زرتشتیان

دین زرتشت در میان ایرانیان، تا قبل از ظهور اسلام، غالب بوده است. آئین ظهور نجات دهنده از تعالیم زرتشت است. هم چنان که منجی باوری در شرق در آئین بودایی و در غرب در دین یهود و مسیحیت و حتی در آئین مهرپرستی و انواع فرقه های عرفانی نفوذ فراوان دارد (بویس، ۱۳۸۶: ۳۹۸). منجی های آئین زرتشت به نام سوشیانت یا سوشیانس به معنای رها کننده شناخته می شوند، در فروردین یشت، فقره ۱۲۹ می خوانیم:

اورا از این جهت سوشانت خوانند که به همه جهان مادی، منفعت و سود می رساند.

از گات های زرتشت چنین بر می آید که زرتشت واژه سوشیانت را به صورت جمع برای ایفای معنایی وسیع تر برای کسانی که پس از وی تا فرا رسیدن فراشگرد خواهند آمد و همچنین به معنای یاری دهنده نیز به کار برده است. در اوستا آمده است:

بشود که ما هم سوشیانت ها شویم، بشود که پیروز شویم، بشود که ما از دوستان ارجمند اهورا مزدا شویم (یسنا ۴، فقره ۷۱).

ظاهراً باور به منجی جهان، یعنی سوشیانت در دوره هخامنشی به باور انتظار برای سه منجی گسترش یافته است که هریک از نطفه زرتشت و از زهدان مادری دوشیزه تولد می یافت، به نظر می رسد این تحول با چهارچوب هزاره گرایی مرتبط بوده است. اعتقاد بر این بود که عمر جهان ۱۲۰۰۰ سال خواهد بود که به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم میگردد و خود زرتشت در اواخر سه هزاره سوم به دنیا آمده و وحی را دریافت می داشته است. دوره وی زمان نیکی و پیشروی به سوی هدف نهایی آفرینش بود ولی از آن به بعد مردم آموزه های وی را از یاد می برند. هزار سال بعد نخستین منجی به نام (اوخشیت ارته) به معنای گسترنده پارسایی، بشارت پیامبر را احیاء خواهد کرد. سپس هزار سال بعد از او دومین منجی به نام (اخشیت نمه) به معنای گسترنده نماز پدیدار می شود. سرانجام در پایان آخرین هزاره بزرگ ترین ناجی و سوشیانت یعنی (استوت ارته) ظهور خواهد نمود

(بویس، ۱۳۸۱: ۱۰۳). این سه موعود به عنوان نقطه عطف دین زرتشتی محسوب می‌شوند، آنها بر طبق خیر و نیکی رفتار کرده و در عمل آن را تعلیم می‌دهند، ایشان حق نماز و تحیات به آستان اهورا مزدا را به جای می‌آورند و بر ضد اهریمن قیام نموده، او را در هم می‌شکنند و مردم را به راه راست آورده و دین را می‌گسترانند (دینکرد، فصل ۷، فقرات، ۴ و ۵ و ۷، به نقل از: ابراهیم، ۱۳۸۱: ۳۲). اعتقاد به ظهور ناجی در میان ملت ایران باستان به قدری رایج بود که در شکست‌های جنگی و فراز و نشیب‌های زندگی با یادآوری ظهور او خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند. در جنگ قادسیه پس از درگذشت رستم فرخ‌زاد سردار نامی ایران، هنگامی که یزدگرد سوم با کسان خود آماده فرار می‌شد، به هنگام خارج شدن از کاخ پر شکوه مدائن، ایوان مجلل خود را خطاب کرد و گفت:

هان ای ایوان درود من بر تو باد، من هم اکنون از توروی می‌تابم تا آن‌گاه که با یکی از فرزندان خود که هنوز زمان ظهور او فرا نرسیده است به سوی تو برخوام گشت (صادقی، ۱۳۶۲: ۱۷).

۳. موعود نجات‌دهنده در عهد عتیق

اگر در مجموع آن چه در آثار مقدس یهودی آمده است تأمل شود، چهره سه موعود در آنها ترسیم می‌شود:

۱. موعود اول: حضرت مسیح علیه السلام؛

۲. موعود دوم: حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛

۳. موعود سوم: حضرت منجی آخرالزمان عجل الله فرجه.

با این حساب، انتظار در یهودیت کیفیتی ویژه می‌یابد و چون این قوم، نه به حضرت مسیح علیه السلام و نه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هیچ کدام نگرییدند، به طبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است، لذا در بحث موعود، بسیار حساس هستند و شاید بیشتر از سایر اقوام به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر می‌کنند (حکیمی، ۱۳۷۶: ۵۵).

در آئین یهود منجی با عنوان (Messiah) که از لغت عبری (Mashikh) مشتق شده است شناخته می‌شود که به معنی کسی است که به وسیله خدا برای پادشاهی تدهین و غسل داده شده است و یهودیان را به سرزمین موعودشان باز می‌گرداند و دوران طلایی را آغاز می‌کند (Becherlegge, 2000: 3).

اعتقاد به منجی اغلب به کسی اشاره می‌کند که به وسیله خداوند برای نقشی حیاتی در وقایع و جریانات آخرالزمانی انتخاب شده است. ظهور ناجی چنان‌که در کتب عهد عتیق آمده است، عبارت است از این که در آخرالزمان، حق تعالی جهان را دگرگون خواهد فرمود و صالحان و ابرار از ظالمان و اشرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید. این پیروزی در آثار یهود به رهبری ماشیح با القابی مانند (فرزند منتخب داود) انجام می‌شود. بدین ترتیب اندیشه ساده مسیحا از جنگاوری که قوم خود را در برابر بیگانه حفظ خواهد کرد، تحول یافت و به انتظار قیام پادشاهی بزرگ و شکوهمند از خاندان داود مبدل گشت که به فرمان الهی و با دمیده شدن روح خدا در او حکومت شایسته‌ای را بر تپه صهیون برپا خواهد کرد. آن سرزمین در همه جهان نمونه خواهد شد و ملت‌ها برای آموختن راه‌های الهی به آن جا رهسپار خواهند شد (کریستون، ۱۳۷۷: ۳۰). در پایان حکومت آخرین حاکم ظالم، یک کرناى آسمانی به صدا در می‌آید و منجی سوار بر ابرها با گروهی از ملائک در افق نمودار می‌شود آن وجود آسمانی که شباهت صوری با بنی آدم دارد به پسران‌شان و القاب دیگر مانند مسیح و یا فرزند برگزیده داود، ملقب است. او را قاضی عادل و سلطان صلح می‌دانند پس مردگان از گورها برخاسته با زندگان و نیکوکاران صف واحدی را تشکیل داده به مسیح می‌پیوندند (مشکور، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

۴. منجی آخرالزمان در زبور داود

خداوند کریم در قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛
و علاوه بر ذکر تورات در زبور نوشتیم، بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

در مزمور ۷۲ زبور، آن حضرت به عنوان ملک زاده‌ای که بزرگ‌ترین و کامل‌ترین مظهر عدل الهی است معرفی شده است. در عهد جدید شرح وقایع آخرالزمان از همه جا مفصل‌تر در کتاب مکاشفه یوحنا (قرن اول میلادی) آمده است که شامل رؤیاها و مکاشفه‌هایی درباره پایان جهان است که غالباً به صورت تمثیل‌های عجیب از آن‌گونه که در کتاب دانیال نبی دیده می‌شود بیان شده است.

۱. کاربرد واژه مهدی در تاریخ اسلام

واژه مهدی، به معنی کسی است که بوسیله خدا هدایت می‌شود، صفت مفعولی ریشه هدی به مفهوم (هدایت کردن) می‌باشد. این اصطلاح دوبار در قرآن در صفت فاعلی با همان ریشه هادی، هدایت‌کننده، به کار رفته است. در اولین مورد خداوند می‌فرماید:

البتة خداوند اهل ایمان را به راه راست هدایت فرماید (حج: ۵۳).

و در مورد دوم چنین آمده است:

تنها خدای تو برای هدایت و نصرت و یاریت کفایت می‌کند (فرقان: ۳۱).

در قرآن اهتدی (او هدایت را برای خود پذیرفت) دقیقاً به صورت مجهول انعکاسی به کار رفته است که صیغه مفعولی آن مهتدی می‌باشد (جاسم، ۱۳۷۷: ۳۳). بنابراین انسانی که هدایت الهی می‌یابد به سادگی به این مهم نمی‌رسد، بلکه خود، هدایت ربانی را یا با فطرت و یا با عقل در می‌یابد. او با این دو ابزار می‌تواند علم الهی را کسب کند و در نتیجه او را به عبودیت ذات باری، با پیروی از قوانین الهی در روی زمین رهنمون می‌سازد. در عین حال قوانین الهی را نمی‌توان با این دو مآخذ آگاهی کشف کرد. لذا در سراسر تاریخ خداوند علم و قوانین خود را به انسان‌های هدایت یافته نشان داده است (به وسیله وحی) تا بشریت را به راه راست رهنمون سازند. این انسان‌های هدایت یافته را (پیامبر) می‌نامند و واجد ارزش‌های والائی هستند که آنان را قادر می‌سازد تا فرامین و دستورات الهی را به مرحله اجرا درآورند و مردم را به دور از هر خطائی رهبری کنند. از این رو، قرآن آنان را «هداة» (مفرد هادی) می‌نامد، زیرا با یاری خداوند به راه راست هدایت شده (مهتدون) اند (همو). واژه مهدی (شخص هدایت شده) همان معنی مهتدی را دارد. در عین حال به عنوان تجلیل در صدر اسلام در مورد افراد خاصی به کار رفته است، از جمله در مورد قائم نیز استعمال شده است. نمونه‌های فراوانی را می‌توان یافت که نشان می‌دهد واژه مهدی در این دو مفهوم به کار رفته‌اند. به عنوان مثال، حسان بن ثابت (متوفی ۶۷۳/۵۴) واژه مهدی را در قصیده خود برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به صورت زیر به کار برده است:

جزاء علی المهدی اصبح ثاویدا
یا خیر من وطا الحصالا تبعدی
افسوس برای مهدی که به خاک رفت

آه، بهترین انسان روی زمین، دیگر (در بین ما) نیست
جریر شاعر این واژه را در مورد ابراهیم به کار می‌برد. اهل تسنن اغلب آن را برای
چهار خلیفه بعد از پیامبر ﷺ که آنان را خلفاء الراشدون المهدیون، به کار می‌برند
(ابن اعثم کوفی، ۱۹۷۲: ۳۴). سلیمان بن صرد خزاعی امام حسین علیه السلام را پس از
شهادتش، مهدی بن مهدی می‌خواند (طبری، ۱۹۴۹: ۵۴۶). بنا به گفته راجکوسکی، ابو
اسحاق کعب بن مائه بن حیسوء حمیری (متوفی ۶۵۴/۳۴) نخستین کسی است که
مهدی را در کاربرد اعتقادی آن به عنوان منجی به کار برده است (جاسم، ۱۳۷۷: ۳۵).
البته ذکر این نکته حائز کمال اهمیت است که خلیفه دوم عمر بن خطاب، قبل از کعب
سخن رانده است. پس از رحلت پیامبر ﷺ در سال ۶۳۲/۱۱، عمر وانمود کرد که
محمد ﷺ رحلت نکرده بلکه همچون موسی پنهان شده و سرانجام از غیبت باز خواهد
گشت. ولی ابوبکر، ادعای عمر را تکذیب کرد و آیه زیر را از قرآن بیادش آورد که نشانگر
مرگ پیامبر ﷺ می‌باشد:

(ای رسول عزیز ما) شخص تو و همه خلق البته به مرگ از دار دنیا خواهید
رفت. آن‌گاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش دادخواهی می‌کنند
(زمر: ۳۹).

۲. القاب موعود آخر الزمان

دوازدهمین پیشوای معصوم، حضرت حجة بن الحسن المهدی، امام زمان ﷺ
در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر (سامراء) دیده به جهان گشود
(کلینی، ۱۳۸۱: ۵۱۴). او همنام پیامبر اسلام ﷺ و هم کنیه آن حضرت (ابوالقاسم)
است. از جمله القاب آن حضرت، منجی، حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان،
بقیه الله، و مشهورترین آنها (مهدی) می‌باشد. اعتقاد به موضوع مهدویت اختصاص به
شیعه ندارد، بلکه بر اساس روایات فراوانی که از پیامبر اکرم ﷺ رسیده، علمای
اهل سنت نیز این موضوع را قبول دارند. منتها آنان نوعاً تولد حضرت مهدی ﷺ را انکار

می‌کنند و می‌گویند:

شخصیتی که پیامبر اسلام ﷺ از قیام او (پس از غیبت) خبر داده، هنوز متولد نشده و در آینده تولد خواهد یافت (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۰: ۹۴).

با این حال تعداد قابل توجهی از مورخان و محدثان اهل سنت، تولد آن حضرت را در کتب خود ذکر کرده و آن را یک واقعیت دانسته‌اند. بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از آنان را معرفی کرده‌اند (هیثمی، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

۳. مهدی مرسوم‌ترین لقب و نام موعود آخرین

مهدی اسم مفعول و به معنای هدایت شده است. مهدویت نیز از همین ریشه است. مهدی علیه السلام مشهورترین نام آن حضرت نزد شیعه و سنی است. البته گاهی نیز در معنای فاعلی به معنای (هدایت‌کننده) به کار می‌رود، محمد بن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

قائم را از آن جهت مهدی گفته‌اند که مردم را به آئینی که از دست داده‌اند، هدایت می‌کند (شیخ مفید، ج ۲، ۳۸۳).

آن چه بیشتر در روایات آمده است، همان معنای نخست است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

به درستی که مهدی نامیده شد به جهت این که به امر مخفی هدایت می‌شود، او تورات و سایر کتاب‌های آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد (شیخ مفید، ج ۱، ۱۶۱).

لقب مهدی اگر چه اختصاص به آخرین امام ندارد و بقیه ائمه علیهم السلام مهدی هستند، ولی تنها از آخرین پیشوا به عنوان (مهدی) یاد شده است. این لقب از همان ابتدای شکل‌گیری بحث مهدویت بر زبان معصومین رایج بوده و در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این لقب به چشم می‌خورد. بنابراین در کتاب‌های اهل سنت نیز فراوان این لقب آمده است (ابن ماجه، ج ۲، ۳۰).

امام حسین علیه السلام فرمود:

دوازده مهدی از ما است، اول ایشان امیرمؤمنان علی علیه السلام و آخرین شان نهمین فرزند از نسل من است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۶۸).

۴. عصر ظهور

در عصر ظهور، یعنی دوره حضور و دولت جهانی مهدوی، دوره توسعه متعالی انسان و جامعه جهانی است، وضعیتی متعالی و مطلوب که بیانگر فراهم شدن زمینه‌ها و شرایط و بروز و باروری یا بهره‌وری جامع تمامی استعدادها و ظرفیت‌های مادی و معنوی طبیعی، انسانی و اجتماعی بوده، بهره‌برداری و بهره‌وری همگانی را به صورت متعادل و عادلانه تضمین می‌کند. بن‌مایه و محوریت مهدویت و غالب آن، رشد عقلانیت همگانی و علم عمومی و اداری به عدالت جهانی با برپاداری مردم به آن و یا به تعبیر قرآن: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). برقراری صلح و امنیت ثبات بین‌المللی یا جهانی، سلامت، رفاه و آسایش و آرامش عمومی با تامین و تضمین توسعه، تعادل و تعای عمومی است. راهبری که از طریق تبیین علمی و حکمی، ترسیم عملی و تحقق عینی سیاست و ساختارها یا نظام سیاسی و دولت کارآمد، اعم از بهره‌ور و اثربخش مهدوی و نیروهای کاری مؤمن و با عمل صالح در جهان عملی شده، سرانجام تحقق خواهد یافت «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵). عصر ظهور، نقطه تعالی و کمال انسانی است. این عصر متضمن تقسیم تاریخ به: دوران پیشاظهر و دوران پساظهر، همچنین سیاست متعالی کامل و فراگیر دوره ظهور و سیاست نامتعالی دوران پیشاظهر و غلبه آن است.

الف) قال رسول الله ﷺ:

افضل العباده انتظار الفرج (شیخ صدوق، ج ۱، ۲۸۷، باب ۲۵، ح ۶).

ب) قال الجواد عليه السلام:

افضل اعمال شيعتنا انتظار الفرج (شیخ صدوق، ج ۲، ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۱).

نتیجه‌گیری

بشریت از پیدایش تاکنون سیری پیوسته، پویا و در عین حال پیچاپیچ و پرفراز و نشیب را دنبال کرده و طی نموده است، سیری که همواره با هدایت همراه بوده و رو به سوی مهدویت و سیر تکاملی داشته است. گونه‌های مختلف اعتقاد به ظهور ناجی آخرالزمان نزد آئین‌ها و ادیان بزرگ دیده می‌شود، در آئین مهر، منجی موعود نجات بخشی است که رسالتی اجتماعی، معنوی، و جهان شمول را بردوش دارد، او موعودی شخصی

است که با مفاهیم، نجات بخش، رهاننده، به هم پیوند دهنده، میانجی‌گری کردن، شفاعت، وصل کردن، آشتی دادن، دوست و دوستی با نمادها و تندیسک‌ها دیده می‌شود و به نوعی همان موعود زرتشت است. باور و اعتقاد به منجی در دین مبین اسلام (شیعه اثنی عشری) با استناد به آیات و روایات و احادیث نبوی به روشنی دیده می‌شود و موعود آخرالزمان حضرت مهدی علیه السلام از اعقاب پسری حضرت زهرا علیها السلام دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و از تبار امام حسین علیه السلام می‌باشد، با بررسی تطبیقی که شکل گرفته غالب صفات و القاب و نام‌های مهر سوشیانت با القاب و نام‌های حضرت مهدی علیه السلام از جمله نجات دهنده و رهایشگریکسان و مشابه هستند با این تفاوت که باور به مهر سوشیانت باوری اسطوره‌ای و اعتقاد به موعود آخرالزمان برخاسته از متن آیات و روایات و احادیث نبوی است.

تصاویر مربوط به آئین مهر

۱. مهر در حال قربانی کردن گاو موزه واتیکان، ایتالیا



مأخذ: www.britishmuseum.com

۲. موزاییک به دست آمده از منطقه اوستیا، مرتبه هفتم آئین تشریف میترا، مقام پدر



ماخذ: www.wikipedia.org

۳. نقش شکار مهر در نخجیرگاه، فرسک، دوراروپوس، سوریه



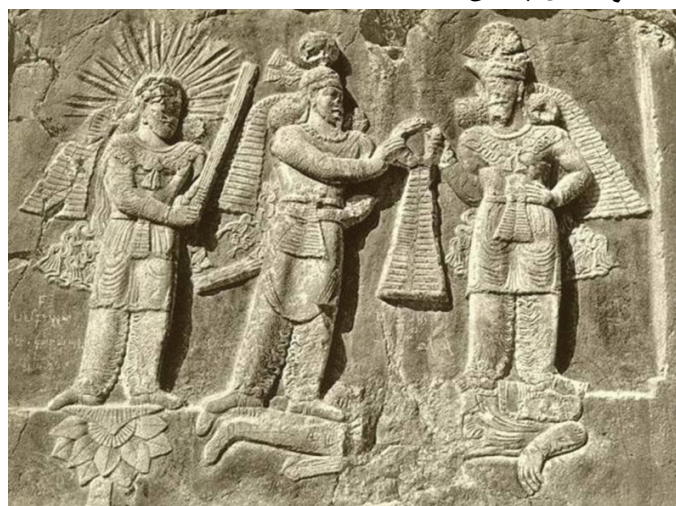
ماخذ: www.bendante.blogspot.com

۴. خورشید شکست‌ناپذیر، نقش برجسته سنگی، گاوکشی، مهر (میترا) در حالی که گاو
نر را قربانی می‌کند رو به خورشید دارد. خورشید و ماه در طرفین حجاری مشخص‌اند. موزه
واتیکان، رم، ایتالیا



ماخذ: http://en.wikipedia.org/wiki/Mithraic_mysteries

۵. نقش اعطای نشان به اردشیر در حضور ایزد مهر که روی گل نیلوفر ایستاده است و
برسم در دست دارد، طاق بستان



گیرشمن (۱۳۷۰: ۱۹۰)

۶. نقش مهر در پشت و روی یک کنده‌کاری متعلق به سده دوم یا سوم پس از میلاد؛ در اروپا بسیاری از خدایان محلی را همدم مهر دانسته‌اند و اساطیر محلی را به افسانه مهر پیوند زده‌اند



ماخذ: <http://narengsabz.blogspot.com/1394/05/01/post-112>

منابع

- *اناجیل اربعه*، ترجمه: میرمحمد باقر بن اسماعیل حسنی خاتون آبادی، به کوشش رسول جعفریان، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵
- ابراهیم، علیرضا، *مهدویت در اسلام و دین زرتشت*، تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۱
- ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰
- ابن اعثم، احمد کوفی، *الفتوح*، حیدرآباد: بی نا، ۱۹۷۲
- ابن حجر هیثمی، *الصواعق المحرقة*، قاهره: بی نا، ۱۳۸۵
- آموزگار، ژاله، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۷
- بویس، مری، *تاریخ کیش زرتشت*، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۶
- ثاقب فر، مرتضی، *دین مهر در جهان باستان*، مجموعه گزارش های دومین کنگره مهرشناسی، تهران: توس، ۱۳۸۵
- جاسم، حسن، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت الهی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷
- حامی، احمد، *بغ مهر*، تهران: انتشارات داورپناه، ۱۳۵۵
- حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶
- دوست خواه، جلیل، *اوستا*، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۵
- دهقان، اکبر، *زندگانی چهارده معصوم*، قم: انتشارات زائر، ۱۳۹۱
- شکاری نیری، جواد، (امام زاده معصوم و رجوی مراغه معبد مهرپرستی ایرانی و نشان ها در معابد اروپائی)، *مطالعات ایرانی*، شماره ۱۰، ۱۳۸۵
- صادقی، محمد، *بشارت عهدین*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، *علل الشرائع*، نجف: بی نا، ۱۹۶۶
- _____، *عیون الاخبار الرضا*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴
- طبری، محمد بن جریر بن رستم، *تاریخ الرسل والملوک*، ویراسته دی گوجه، لیدن: بی نا، ۱۸۷۹
- _____، *دلائل الامامه*، نجف: بی نا، ۱۹۴۹

- فضیلت، فریدون، کتاب سوم دینکرد (دفتر اول)، تهران: انتشارات فرهنگ دهخدا، ۱۳۸۱
- کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، مترجم: انجمن کتاب مقدس، تهران: ۱۹۸۷
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱
- گاتها، سرودهای زرتشت، ترجمه موبد فیروز آذرگشسب، تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۸۲
- گرینستون، جولیوس هیلل، انتظار مسیحا در آئین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷
- مرکلباخ، راینهولد، میترا آئین و تاریخ، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۷
- مشکور، محمد جواد، خلاصه ادیان در تاریخ، دین های بزرگ، تهران: انتشارات شرق، ۱۳۸۰
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، قم: مکتبه البصیرتی، ۱۹۷۲
- مقدم، محمد، جستار درباره مهر و ناهید، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۸۵
- وارنر، رکس، دانش نامه اساطیر جهان، مترجم: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: انتشارات اسطوره، دوم، ۱۳۸۷
- ورماسرن، مارتین، آئین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران: نشر دهخدا، ۱۳۴۵
- هیلنز، جان راسل، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه، ۱۳۸۳
- E.S.Drower, the Mandaean of Iraq and Iran , leiden ,reprint, 1962
- G.Widengren, the Manichaean Hymncycles in parthian. London, 1954
- _____, Iranisch-semitische kultur begegn in parthischer zeit, koln, 1960
- J. M. Unvala , observation on the religion of the parthians, 1925
- M. Schwartz, zoraster and his world , prinston, 1975
- The world religions reader, edited by Becherlegge ,G. 2 TH EDITION Routledge , Great Britain, 2000
- Sheldon , Rose , Mary, Romes wars in parthia: blood in the sand , London , valentine Mitchell publication, 2010
- R. C. Zahener , Zurvan, oxford, 1955